

به نام خدای مهربان

دختر گلم متن زیر را بخوان. قسمتی از متن جا افتاده است که باید تو دختر زرنگ و باهوش من با گوش دادن به فایل صوتی همراه تکلیف آن را پر کنی و متن را کامل سازی.

در آخر کلماتی را که نشانه ی (هـ هـ هـ) دارند را قرمز رنگ کن



سرزمین ما ایران



آموزگار، نقشه ی ایران را نشان داد و گفت: « این نقشه شبیه یک گربه ی نشسته است.» سپس شهرهای مختلف ایران را نام برد و جای آن ها را روی نقشه به ما نشان داد.



وقتی خانم به شهر کرمان اشاره کرد، مهدیه اجازه گرفت و گفت: « پدرم اهل کرمان است و این شهر را خیلی دوست دارد.» آموزگار گفت: « هر کس اهل هر جایی که باشد، آن جا را دوست دارد.» سپس خانم به من نگاه کرد و پرسید: « شما اهل

کجا هستید؟» گفتم: « من در تهران به دنیا آمده ام. ولی پدر و مادرم اهل همدان هستند.»

آموزگار گفت: « همدان شهر تاریخی و بسیار زیبایی است. کوه آلوده هم در این شهر است. همدان هوای خیلی سردی دارد.» سپس آموزگار گفت: « وقتی کسی به سفر می رود، از آن شهر هدایایی برای دوستان خود می آورد. شما هدیه هایی که از همدان می آوری برای ما بگو.» گفتم: « کاسه و کوزه ی سفالی و نان شیرمال.» هُما گفت: « به به! دهانم آب افتاد.» مهتاب گفت: « اگر هُما به سفر برود، خوراکی هدیه می آورد.» هُما گفت: « اجازه! تابستان قبل وقتی ما از شهرستان به تهران می آمدیم، پدر دو بسته گز



برای همکارانش خرید. ولی من و برادرم یک بسته از آن ها را در راه خوردیم.» پدر وقتی که فهمید به ما گفت: « به اندازه ی تمام گزهایی این بسته باید دندان هایتان را بشوید.» همه خندیدند.



یادم افتاد که نام سابق شهر همدان را از آموزگار نپرسیده ام. امشب باید از پدر بپرسم. او می داند. شما هم می دانید؟

زنگ تفریح



دختر گلم پاکت زیر را با راهنمایی بزرگ تر هایت انجام بده و از برای نامه هایت استفاده کن. (فیلم آموزشی ضمیمه تکلیف)

